

دستگاه گوارش از دیدگاه مکتب طب سنتی ایران

محمود بابائیان^{الف}، مهدی برهانی^{الف}، محمدرضا حاجی حیدری^{الف}، احمدرضا شریفی علون آبادی^{الف}،

مهین الصاق^ب، مریم یآوری^ج، محمد مظاهری^ب، محمدعلی کمالی^ج، مجید آویژگان^د، پیمان ادیبی^{ه*}

^{الف} گروه طب سنتی ایران، دانشکده پزشکی، دانشگاه شاهد، تهران

^ب دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

^ج دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران

^د گروه بیماری‌های عفونی و گرمسیری، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان

^ه گروه داخلی، دانشکده پزشکی و مرکز تحقیقات جامع‌نگر عملکرد گوارش، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان

چکیده

مکتب طب سنتی ایران دارای مبانی قوی استدلالی می‌باشد که با کمک گرفتن از تجربه و قیاس و بر اساس عملکرد طبیعت بدن در جهت درک و توضیح بسیاری از علایم و نشانه‌ها تلاش نموده است. دستگاه گوارش بخصوص معده در مکتب پزشکی ایرانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و دقت در پیداشگیری و درمان بیماری‌های معده در درمان بسیاری از بیماری‌های بدن همواره مورد توجه بوده است. در معاینه و بررسی بیماری‌های دستگاه گوارش، پزشک باید درک صحیحی از علم تشریح و ارتباط بین اندام‌ها داشته باشد. همچنین بر اساس مکتب پزشکی ایرانی، طبیب علاوه بر اطلاع صحیح از علم تشریح، برای درک صحیح بیماری‌ها و علایم آن می‌بایستی بر مبانی نظری طب بخصوص امور هفت گانه طبیعیه تسلط کامل داشته باشد تا بتواند با استفاده از آن توضیح منطقی برای ارتباط بین علایم بیماری برقرار نماید. بر اساس نظریه مکتب پزشکی ایرانی، امور منسوب به طبیعت بدن یا امور طبیعیه شامل ارکان، مزاج، اخلاط، اعضاء، ارواح، قوا و افعال می‌باشند. مقایسه‌هایی مابین این مباحث در مکتب طب ایرانی و طب سنتی چین نیز در مقاله ذکر شده است.

تاریخ دریافت:
۹۰ خرداد
تاریخ پذیرش:

واژگان کلیدی: دستگاه گوارش، طب سنتی ایران، پزشکی رایج، طب سنتی چین

مقدمه

است. معده یکی از اندام‌های مهم بدن است که سلامت بدن به سلامت آن ارتباط دارد و غیر از عمل هضم، وظیفه تقاضای خوراک و ارسال آن به سایر اندام‌ها را نیز بر عهده دارد (۲). بر اساس مکتب طب ایرانی، اختلال کارکرد و عدم سلامتی این عضو حساس موجب اختلال عمل اعضای دیگر بدن می‌گردد، بنابراین توجه به پیشگیری و درمان اختلال عملکرد معده در

در مکتب طب سنتی ایران (Traditional Iranian Medicine) که مبتنی بر مزاج و اخلاط می‌باشد، دستگاه گوارش بخصوص معده، دارای اهمیت خاصی است. معده به علت ارتباط نزدیک با دیگر اعضای بدن، همواره مورد توجه این مکتب بوده است، به طوری که کلماتی مانند "عضو شریف" (۱)، "عضو مشارک" (۲) و "خزانه مشترک" (۳) برای آن به کار برده شده

درمان بسیاری از بیماری‌های بدن دارای اهمیتی ویژه می‌باشد.

تشریح معده

معده بر طبق مکتب طب ایرانی شامل گوشت^۱، عصب^۲، عروق و شرائین است. در طب سنتی شکل معده را به کدوی گردن دراز تشبیه نموده‌اند که اصل کدو معده و گردن آن مری و قسمت سؤم آن، قعر معده (Antrum) می‌باشد. محل وصل مری به معده را فم معده (Gastroesophageal junction) می‌نامند. البته اسامی دیگری مانند مبدأ اتساع^۳ و فؤاد^۴ نیز برای آن به کار برده شده است. محل وصل معده به اثنی‌عشر که ابتدای شروع روده‌ی باریک می‌باشد را بواب (Pylorus) می‌نامند که به علت تنگی مجرا در عمل هضم معدی نقش مهمی برعهده دارد (۴). دریچه‌ی تنگ پیلور یا بواب امروزه جزء دهانه‌ی انتهایی (دیستال) معده محسوب می‌گردد که در کنترل عمل تخلیه‌ی مواد هضمی از معده نقش به سزایی دارد (۵).

بر اساس نظریه‌ی مکتب طب ایرانی معده دارای دو طبقه‌ی داخلی با خصوصیت عصبی و طبقه‌ی خارجی با ویژگی لحمی یا گوشتی است. در ساختمان معده سه نوع الیاف طولی، عرضی و مؤرب وجود دارند. طبقه‌ی داخلی دارای الیاف طولی شرکت کننده در عمل جذب (به معنای کشیدن غذا) و الیاف مؤرب عمل کننده در نگه داشتن (امساک) غذا می‌باشد. در طبقه‌ی خارجی الیاف عرضی که در عمل دفع کاربرد دارند، موجود می‌باشند.

به علت آنکه شعبه‌ای از عصب مغزی (عصب حس) به دهانه‌ی معده (فم معده) عصب دهی دارد، بیشترین حس در این قسمت بوده و این بخش در درک حس گرسنگی و اشتها نقش مهمی برعهده دارد. قعر معده که جایگاه آن در بالای ناف و کمی مایل به جانب راست می‌باشد، دارای طبقه‌ی گوشتی بیشتری است، لذا جایگاه اصلی عمل هضم معدی در این مکان می‌باشد. از قسمت

معقّر کبد، عروق ما ساریقا به انتهای معده و امعاء (روده‌ها) انشعاب دارد که در جذب قسمت خالص کیلوس به سمت کبد نقش دارند (۶-۷).

معده از سمت راست با کبد (جگر) و از سمت چپ با طحال (سپرز) و از پشت به عضلات صلب^۵ (پشت) که در آن رگ شریانی بزرگ جهنده و ورید بزرگ وجود دارد و از بالا با واسطه‌ی پرده‌ی حجاب (دیافراگم) با قلب در تماس قرار دارد. این مجاورت‌ها با ایجاد حرارت به عمل هضم معده کمک می‌نمایند. قسمت‌های دیگری که در هضم با حفظ حرارت کمک کننده هستند شامل غشاهای مختلف شکمی که از داخل به سمت بیرون ثرب^۶، صفاق^۷ و مراق^۸ می‌باشند (۸).

در مطالعات جدید، معده از نظر فیزیولوژیک به دو قسمت بالایی شامل دو سؤم ابتدایی تنه‌ی معده و بخش دمی شامل یک سؤم تحتانی تنه همراه با آنتروم تقسیم می‌شود. به نظر می‌رسد بخش دمی با توجه به انقباض‌های دودی معده و نقش مقاومتی عضله‌ی پیلور در قسمت انتهایی آن در عمل مخلوط سازی غذا با ترشحات معده و تشکیل مخلوط نیمه مایع نقش اساسی را به عهده دارد (۵).

در معاینه و بررسی بیماری‌های بدن بخصوص دستگاه گوارش طبیب علاوه بر فهم دقیق علم تشریح و ارتباط بین اندام‌ها باید به امور طبیعی به طور دقیق توجه نماید. درک صحیح امور هفت گانه‌ی طبیعی در مبانی نظری مکتب طب ایرانی باعث تشخیص صحیح بیماری‌ها و درمان آن‌ها و شناخت داروها و غذاها می‌شود.

امور طبیعی

امور طبیعی^۹ امور منسوب به طبیعت^۹ است که پیدایش بدن انسان و حفظ سلامتی آن، به آن‌ها وابسته بوده و شامل هفت جزء می‌باشد: ارکان، امزجه، اخلاط، اعضاء، ارواح، قواء، افعال (۶).

ارکان (The Elements)

کیفیّت‌ها، فاعله یا تأثیرگذار و به کیفیّت‌های تری و خشکی به علّت تأثیر پذیری از سایر کیفیّت‌ها، منفعله یا تأثیرپذیر می‌گویند (۱۰). البتّه تأثیرپذیری کیفیّت‌های منفعله به این معنی نیست که آن‌ها آثار چندانی بر هم ندارند؛ بلکه منظور این است که بر کیفیّت‌های فاعله اثر چندانی نمی‌گذارند (جدول ۱) (۶).

مزاج (The Temperament)

از فعل و انفعال کیفیّت‌های مختلف اجزای ریز اوّلیه یا ارکان در جسم مرکب در نهایت کیفیّت یا حالتی متشابه ایجاد می‌شود که آن کیفیّت را مزاج گویند (۹). در مکتب طب ایرانی تمام اجسام مرکب عالم هستی حتّی فصول، سنین مختلف، مکان‌ها و اعضاء دارای مزاج

رکن، عنصر، اسطقس و اصل، اسامی مختلف اجسام ساده‌ای هستند که جایگاه مهمی در مباحث نظری مکتب طب ایرانی دارند. از دیدگاه طب سنتی چهار رکن اصلی آتش، هوا، آب و خاک، تشکیل دهنده‌ی اجزای اوّلیه‌ی تمام موجودات عالم می‌باشند (۹). هر کدام از این ارکان دارای کیفیّت‌های خاصی می‌باشند. کیفیّت (Quality) یا چگونگی، یکی از ابزارهای تقسیم‌بندی اجسام در جهان از نظر مکتب طب ایرانی می‌باشد.

از میان تمام کیفیّت‌ها، کیفیّت‌های چهارگانه‌ی گرمی و سردی، تری و خشکی به علّت مشترک بودن در تمام اجسام جهان بیشتر مورد توجه بوده است. به

جدول ۱. ارکان و کیفیّت‌ها و اعمال مورد انتظار (The Elements)

نام کیفیّت	عمل کیفیّت	نام رکن (کیفیّت آن)	نقش رکن
گرمی (حرارت)	موجب حرکت، سوزاننده، گرم کننده، ذوب کننده، جذب کننده، کاهش شدّت سردی	آتش عنصری (گرم و خشک) Fire (Warm and Dry)	پخته شدن هر چیزی که با آن آمیزد شکسته شدن سردی عناصر آب و خاک عبور اجزای هوایی به کمک قوّت آن در همه اجسام
سردی (برودت)	انجماد، موجب در هم فشردگی، غلیظ کننده، ضد جذب، کاهش شدّت گرمی	هوای عنصری (گرم و تر) Air (Warm and Moist)	جهت نفوذ، نرمی، سبکی، سهولت بلند شدن، ایجاد گشادگی و تخلخل
تری (رطوبت)	قابلیت شکل‌پذیری جدا شدن و به هم وصل شدن به آسانی	آب عنصری (سرد و تر) Water (Cold and Moist)	ایجاد نرمی، طرح پذیری، انعطاف پذیری، شکل پذیری
خشکی (یبوست)	ثبات و عدم شکل پذیری به راحتی	خاک عنصری (سرد و خشک) Earth (Cold and Dry)	عامل بهم پیوستگی و پایداری و نگهداری اشکال

خاص به خود می‌باشند. در یک تقسیم‌بندی کلی مزاج به نه قسمت

کیفیّت‌های گرمی و سردی به دلیل خاصیت تأثیرگذاری آن‌ها بر سایر

گرم و خشک، گرم و تر، سرد و خشک، سرد و تر می‌باشند (۴).

اخلاط (The Humours)

خلط جسم روان و دارای رطوبت بالفعل می‌باشد که در نتیجه‌ی تغذیر بر روی غذا حاصل می‌آید. خلط طبیعی در کبد طی فرآیند هضم دوم در عمل کیموس تولید شده و در هضم سوم یا عروقی فرآیند تولید خلط تکمیل می‌شود.

شامل یک معتدل فرضی و هشت غیرمعتدل تقسیم می‌شود. اعتدال مزاج فرضی از نظر اطباء برای جسم مرکب (کل بدن یا عضو خاص) به این معنا می‌باشد که جسم مرکب در این حالت کیفیتی، دارای بهترین شرایط عملکردی مورد انتظار از آن جسم است (۶). هشت مزاج غیرمعتدل بر اساس حاکمیت یک کیفیت تأثیرگذار یا تأثیرپذیر و یا استقرار دو کیفیت هم زمان بر کل یک جسم مرکب شامل موارد گرم، سرد، تر، خشک،

(Melancholicus or) می‌باشند (نمودار ۱) (۹-۱۰). تعادل این اخلاط از نظر مقدار و نسبت آن‌ها با هم و دارا بودن کیفیت صحیح، در سلامت بدن و اعضاء بسیار با اهمیت است. اخلاط به دو دسته‌ی طبیعی و غیرطبیعی تقسیم

۱ اخلاط طبیعی تولید شده شامل چهار خلط دم یا خون (The sanguineous humor or blood humor)، خلط بلغم (The phlegm humor or Phlegmaticus)، خلط صفر (The bilious humor or Cholericus)، خلط سودا (The atrabilious humor)

نام خلط	وظایف خلط	انواع غیر طبیعی خلط
خلط خون گرم و تر	تولید روح حیوانی موجب رشد و نمو جایگزینی مواد مصرفی بدن	به علت مخلوط شدن با خلط غیر طبیعی دیگر گرم تر شدن یا سردتر شدن خود خلط دم بدون مخلوط شدن با خلط دیگری
خلط بلغم سرد و تر	قابلیت و آمادگی برای تبدیل به خون شدن، جایگزینی رطوبت بدن که به دلایل مختلف از دست رفته، تر نگه داشتن مفاصل و اعضاء بسیار حرکت کننده همراهی در تغذیه برخی اعضاء مانند مغز و نخاع و اعصاب	بر اساس طعم و مزه: شور یا مالح، ترش یا حامض، گس یا عفص، بی مزه یا تفه بر اساس قوام و شکل: مخاطی، خام، آبکی یا مائی، گچی یا جصی
خلط صفرا گرم و خشک	لطافت بخشی و رقیق سازی خون به منظور نفوذ بهتر در عروق ریز و مجاری ظریف، تحریک امعاء و روده ها برای حرکت فضولات غذایی و ایجاد احساس دفع تغذیه برخی اعضاء مانند ریه و کیسه صفرا (مراغه) همراه با خلط خون	مره صفرا صفرای مخی یا زرده تخم مرغی محترق یا سوخته کرائی یا مانند تره، زنگاری یا زنجاری
خلط سودا سرد و خشک	تغذیه برخی اعضاء مانند استخوان و طحال برانگیختن اشتها ایجاد استحکام و انقباض در الیاف و اعصاب و خمل معده کاستن سستی ناشی از رطوبت غذا	بر اثر احتراق و سوختن بیش از حد اخلاط دم، صفرا، بلغم و سودا: سودای دموی، سودای صفراوی، سودای بلغمی و سودای سوداوی سودای غیر طبیعی در اثر کیفیت سردی خارجی یا داخلی بیش از حد بر اخلاط و ایجاد انجماد در آنها

نمودار ۱. کیفیت اخلاط و وظایف آن‌ها و انواع غیر طبیعی خلط

خلط دم، بلغم، صفرا و سودا به عروق خارج کبدی خاتمه می‌یابد. هضم سَوَم یا عروقی (Vascular) از عروق خروجی کبد شروع می‌شود و هضم چهارم یا عضوی (Organic) در اعضای بدن صورت می‌گیرد (نمودار ۲) (۶).

برخی کتب با ترکیب هضم عروقی و کبدی در هضم دَوَم مرا حل هضم در بدن را به سه هضم تقسیم کرده‌اند (۱۲).

فرآیند هضم کبدی (برخی منابع همراه هضم عروقی) از زمان ورود قسمت خالص کیلوس معده به عروق کبدی تا تکمیل تولید اخلاط را کیموس نامند (۶). در مباحث فیزیولوژیک، امروزه کیموس به مخلوط نیدمه مایع تولید شده از مخلوط شدن ترشحات معده با غذا اطلاق می‌شود که در حقیقت همان کیلوس یا عصیر طب ایرانی می‌باشد (۵).

اعضاء (The Organs) و ارواح و قوا (The Faculties)

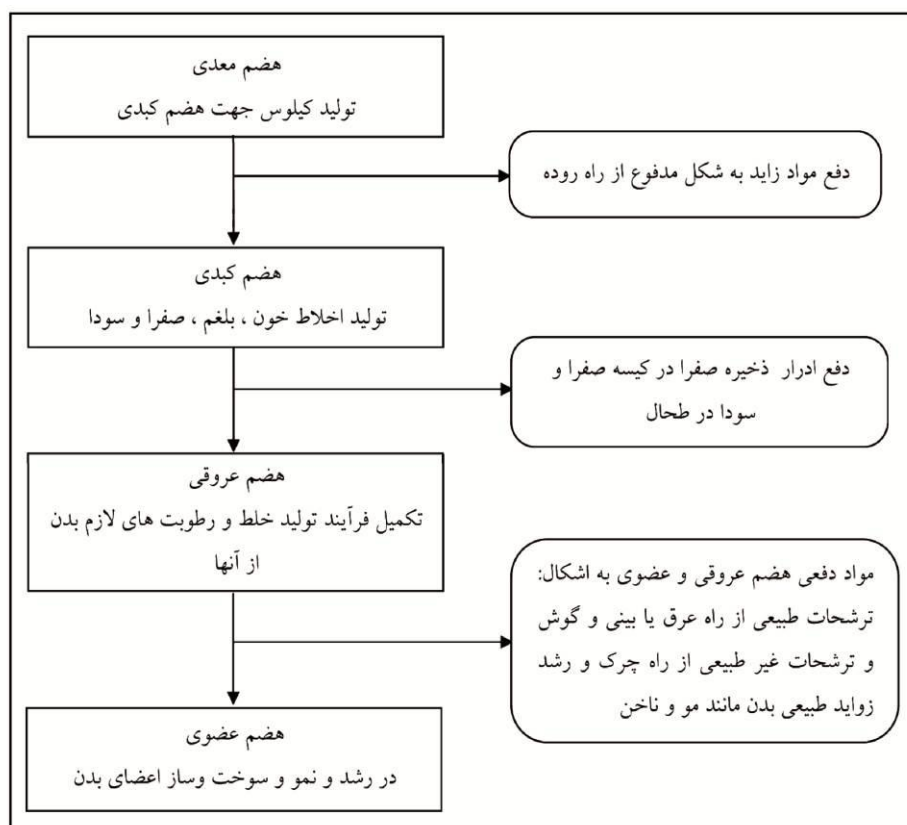
هر خلط دارای دو بخش است: بخش لطیف و سبک که اجزای آن زود از هم جدا و پراکنده می‌شوند و از آن در مراحل بعدی روح تولید می‌گردد که البته روح طبی گفته شده با

می‌شوند. خلط طبیعی، در کبد تولید می‌شود و برخلاف خلط غیرطبیعی قابلیت عضو شدن بدن را دارا می‌باشد و در رشد و نمو عضوی دخالت می‌کند (۶).

هضم (Digestion)، جذب (Absorption)، سوخت و ساز (Metabolism)

هضم به یکسری فرآیندهایی گفته می‌شود که طی آن مواد مغذی و حرارت نهفته در غذا به شکلی تغییر می‌یابند که قابلیت صورت عضو شدن را پیدا نمایند (۱۱). در بدن انسان، چهار هضم صورت می‌گیرد (۶). هر هضمی دارای یکسری مواد تولیدی برای ادامه‌ی عمل مرا حل بعدی و یکسری مواد زاید می‌باشد که از راه‌های مخصوص هر هضم دفع می‌شود.

هضم اوّل یا معدی (Gastric) که از عمل جویدن غذا در دهان شروع می‌شود و با تولید ماده‌ی اصلی برای مرحله‌ی بعدی به نام کیلوس یا عصیر در معده پایان می‌یابد. مرحله‌ی بعدی هضم، هضم دَوَم یا کبدی (Hepatic) است که از ورود قسمت خالص کیلوس معدی به عروق ماساریق کبد آغاز شده و با تولید و فرستادن چهار



بدن حفظ شود، البته حفظ تعادل بدن فقط مربوط به تعادل قوای سه گانه نبوده و اعضای دیگر نیز در این امر دخالت دارند (۱۴).

روح غیر مادی (The spirits) تفاوت دارد. روح طبی در حقیقت از بخار خلط خون طبیعی حاصل می‌آید (۴). ارواح طبی بر سه قسم حیوانی و نفسانی و طبیعی می‌باشند. بخش دیگر

جدول ۲. انواع قوه‌های طبیعی و عملکرد آنها (اعمال مخصوص قوای خادمه‌ی عضو معده ذکر شده است)

طبیعی				خادمه			
مخدومه		مصوره		مأسکه		دافع	
غذایه	نامیه	مولده (مغیره نخست)	مغیره دوم	جاذبه (جذب‌کننده)	نگهدارنده	هاضمه (گوارش کننده)	دافع (رانش)
وصل کننده و شبیه طبیعی کننده ابعاد غذا	مسئول رشد هماهنگ و طبیعی ابعاد غذا	این دو قوه برای بقای نسل عمل می‌کنند	جذب غذا خورده شده و اشتها به غذا	نگهداری غذا در معده برای عمل هضم معده	هضم و تبدیل مواد غذا	خروج کشکاب از قسمت مواب معده بعد از هضم	

قوای طبیعی مخدومه و خادمه

قوه‌ی نباتی یا طبیعی خود به دو قوه‌ی خادمه (خدمت کننده) و مخدومه (خدمت شونده) تقسیم می‌شود. قوای خادمه شامل جاذبه، مأسکه، هاضمه و دافع و قوه‌ی مخدومه شامل غذایه و نامیه و مولده و مصوره هستند (جدول ۲). برای انجام گرفتن و حفظ عمل هر کدام از قوای نباتی خادمه به کیفیت‌های چهارگانه نیاز است که کیفیت گرمی که منشاء اصلی حرکت است و در عملکرد تمام قوه‌ها دخالت مشترک دارد و دیگر کیفیت‌ها بنابر نیاز وارد عمل می‌شوند. در عمل قوای جاذبه و مأسکه کیفیت گرمی توأم با خشکی دارند اما در فعالیت قوه‌ی هاضمه، کیفیت تری نیز علاوه بر گرمی نقش ایفاء می‌نماید و در عملکرد قوه‌ی دافع علاوه بر نقش کیفیت گرمی در حرکت، کیفیت‌های سردی و خشکی برای عمل رانش و دفع لازم است (۴).

افعال (The Functions)

جزء هفتم امور طبیعیّه افعال است. هدف تمام امور عملکرد صحیح اعضای بدن و افعال درست ظاهری جسمانی و باطنی روحانی می‌باشد. افعال ممکن است تنها توسط یک نیرو در بدن تحقق یابند مانند فعل هضم،

خلط قسمت غلیظ و متراکم می‌باشد که از آن اعضاء درست می‌شوند. اعضاء در بدن انسان شامل دو دسته می‌باشند. دسته‌ی اول اعضای مفرد یا متشابه الاجزاء مانند استخوان، غضروف، گوشت و عصب .. و دسته‌ی دوم اعضای مرکب یا اعضای آلیه مانند قلب، دست و ... (۱۰).

Faculty یا قوه از نظر لغت به معنای قوت و توانایی داشتن است. بدن انسان برای انجام افعال درست به منبع صادر کننده‌ی نیرو نیازمند است که این را قوه می‌نامند (۱۳). بر اساس مکتب طب ایرانی بدن انسان دارای سه قوه‌ی حیوانی، نفسانی و طبیعی می‌باشد (The animal, rational, vegetable). این قوای سه گانه توسط ارواح حمل می‌شوند. قوه‌ی نفسانی منشاء و مبدء و باعث ظهور و صدور حس و حرکت تمام بدن و ادراک صورت‌ها و معانی آنها بوده و مکان صادر کننده‌ی آن مغز می‌باشد. قوه‌ی حیوانی که منشاء و مبدء و باعث حیات کل بدن است از قلب صادر می‌شود و قوه‌ی طبیعی یا نباتی که از کبد صادر می‌شود، مبدء و منشاء تغذیه و نمو بدن و تهیه و رساندن غذا به کل اعضاء است (۴). قوای مختلف بدن همواره به صورتی عمل می‌کنند که تعادل لازم

جذب، نگه داشتن غذا و یا ممکن است مانند اشتهاى به غذا یا عبور غذا از اعضاء و عروق توسط دو نیرو در بدن تحقق یابد، البته در برخی از اعمال مانند تغذیه ممکن است به سه قوه نیاز باشد (۴).

انواع مواد در بدن

ماده در بدن به دو صورت با قوام و دارای شکل مانند اخلاط و آب و بدون قوام و شکل شامل بخار و ریح

یکی از مباحث مهم که در بسیاری از بیماری‌ها درباره‌ی آن بحث می‌شود، ریح، باد یا گاز است که به طور متوسط در دستگاه گوارش روزانه ۱۰-۷ لیتر از راه‌های مختلف وارد یا تولید شده و حدود ۶/۰ لیتر آن از راه مقعد دفع و باقی آن از راه مخاط روده وارد خون می‌شود (۵). ریح به معنای باد و بوی و دخانه‌ی که سرد شده و متراکم شود تعریف گردیده است (۱۱). برای تولید ریح دو مسأله‌ی کیفیت گرمی

جدول ۳. مزاج‌های طبیعی معده

کیفیت و مزاج حاکم برکل معده	علائم همراه
مزاج گرم طبیعی	هضم خوب غذاهای سنگینی مانند گوشت گاو و غاز، فاسد شدن غذاهای سبک و لطیف مانند شیر و گوشت جوجه، تمایل به غذاهای با مزاج گرم، اشتهاى زیادتر به غذا
مزاج سرد طبیعی	مشکل در هضم با مصرف غذاهای سنگین، هضم راحت غذاهای سبک، تمایل به غذاهای با مزاج سرد، اشتهاى طبیعی و بدون نقص
مزاج تر طبیعی	دارای احساس عطش کم و تحمل مصرف آشامیدنی‌های زیاد بدون احساس پری شکم، تمایل به غذاهای با کیفیت تری
مزاج خشک طبیعی	به صورت عادتی دارای عطش زیاد، از مصرف نوشیدنی کم سود برده ولی با مصرف زیاد آشامیدنی‌ها علایم پری شکم به سرعت رخ می‌دهد، تمایل به غذاهای با مزاج خشک
مزاج گرم و تر طبیعی	ترکیب علایم گرم و تر مانند اشتهاى زیاد، عطش متعادل و تمایل به غذاهای با کیفیت گرم و تر و هضم خوب غذاهای سنگین
مزاج گرم و خشک طبیعی	ترکیبی از علایم گرم و خشک طبیعی مانند اشتها و عطش زیاد، احساس راحتی با مصرف غذاهای گرم و خشک، عدم تحمل نوشیدنی‌های زیاد و غذای تر
مزاج سرد و تر طبیعی	ترکیبی از علایم سرد و تر طبیعی مانند اشتهاى طبیعی و عطش کم، هضم راحت غذاهای سبک، تحمل مصرف مایعات و غذای تر
مزاج سرد و خشک	ترکیبی از سرد و خشک طبیعی، مانند اشتهاى طبیعی و عطش

وجود دارد (۱۰).

بخار (STEAM)

بخار از اثر کیفیت گرمی و حرارت بیش از حد بر ماده‌ی تر و رطوبی و یا از اثر حرارت معتدل بر ماده‌ی رطوبی بسیار زود تجزیه شونده (لطیف) ایجاد می‌شود که تمایل حرکت آن همیشه به سمت بالا می‌باشد. اگر این حرارت بیش از حد بر یک ماده‌ی خشک مانند اثر آتش بر ذغال وارد آید، موجب ایجاد بخار دخانه‌ی یا دودی می‌شود (۱۱).

ریح (باد، گاز)

و حرارت و ماده‌ی با کیفیت تری و رطوبت مورد نیاز است. در صورتی که رطوبت زیاد در یک مکان و یا نقصان حرارت و یا افزایش کیفیت سردی موجود باشد، با ید منتظر تولید ریح بود ولی در حالت خشکی و گرمی زیاد و یا سردی خیلی زیاد تولید ریح غیر محتمل است. بر اساس مکتب طب ایرانی ریح یا باد همیشه ناپسند نیست؛ زیرا ریح در گردش بدن با عث کمک در دفع مدفوع و همچنین دخالت در امر نعوظ (Erection) در دستگاه تناسلی می‌شود. گاز تولیدی در هضم اول یا معدی، موجب

زیادی تشنگی (عطش) و چیزهایی که معده از آن لذت می‌برد و یا اذیت می‌شود، استفاده شده است (۷). (جدول ۳)

سوء مزاج‌های معده

در مکتب طب ایرانی به بیماری‌های ناشی از خروج از اعتدال مزاج، بیماری‌های سوء مزاج (Dysstemper) یا اختلال کیفیتی گفته می‌شود که در آن به علت غلبه‌ی یک یا برخی از کیفیت‌های چهارگانه بر مزاج عضو یا بدن، اعمال و افعال آن عضو یا کل بدن به صورت صحیح و کامل انجام نمی‌شود. ممکن است این گونه بیماری‌ها حالت ساده داشته باشند که به علت غلبه‌ی کیفیتی بر عضو مانند سرمای بیش از حد، بدون افزایش ماده (Humours) ایجاد می‌گردند و یا ممکن است به علت غلبه و افزایش ماده‌ای در بدن از نظر کمی یا کیفی ایجاد شوند که این حالت را سوء مزاج مادی گویند (۱۰). (جدول ۶-۴)

تفاوت میان مزاج‌های طبیعی معده با موارد خارج از طبیعی، آن است که غذاهای مشابه با مزاج طبیعی نه تنها باعث اذیت و آزار فرد نمی‌شوند بلکه موجب افزایش قوت و توان عضو و در نتیجه بهبود عملکرد فرد می‌شوند، بنابراین فرد به آن‌ها میل و اشتها دارد ولی در بیماری‌های سوء مزاج و اختلال کیفیتی این غذاها باعث افزایش علائم بیماری می‌شوند، لذا فرد بیمار میل و اشتها به غذاهای ضد آن دارد.

نفخ و در هضم دوم، باعث ریح و در هضم سوم و چهارم، مسبب نعوذ می‌باشد. در صورتی که حرارت و گرمی ناقص بوده و یا ماده‌ی رطوبی و تر مقدارش زیاد و کیفیت نامناسب داشته باشد، موجب تولید ریح غلیظ می‌شود که گردش آن غیر طبیعی بوده و باعث علایمی مانند بروز درد در نواحی مختلفی از بدن شامل کتف و گردن، پستان‌ها، ناحیه‌ی دیافراگم، پهلوها و زیر شکم می‌شود و در صورت حبس در امعاء ایجاد قراقر (قار و قور شکم) نموده، حتی می‌تواند علایمی در سر، رحم، بیضه‌ها، مفاصل، حوالی مقعد و بسیاری از نقاط دیگر بدن ایجاد نماید (۱۵).

برای خروج ریح نیاز به مسیرهایی است. در صورتی که ریح از دهان خارج شود آن را آروغ یا جشاء (Belching) می‌نامند (۴) و در صورتی که ریح از ناحیه‌ی مقعد خارج شود آن را بقبکه (Gas passing) نامند (۴).

مزاج معده

در برخی کتب طب سنتی به علت آن که در معده بافت عصبی غلبه دارد مزاج طبیعی حاکم بر معده را سرد و خشک قائل شده‌اند (۱۶) ولی در برخی از کتب دیگر مانند کتاب قانون در طب شیخ الرئیس ابوعلی سینا مزاج‌های طبیعی مختلفی برای معده با علایم خاص در نظر گرفته‌اند (۸). در کتاب کامل الصناعة علی بن عباس اهوازی برای تعیین مزاج معده از سه راه بررسی افعال و عملکرد آن، بررسی کمی یا

گرم	سرد	تر	خشک
دستگاه گوارش گرم باستانی ایران سرد	دیر سبک شدن سرد دل	کمی عطش و عطش زیاد	خشکی زیاد
برطرف می‌شود	(کندی حرکت معده)	تشنگی	خشکی زیاد زبان
آروغ دودی	اشتهای زیاد غذا	عدم تمایل به	لاغری بدن
ایجاد فساد به	کمی عطش	غذای و میوه	لذت از غذای
دنبال مصرف غذای	نفخ	آبکی و تر و	آبکی و تر
لطیف مانند گوشت	آروغ ترش و یا با بوی	آب سرد و	لذت از هوای
جوجه	و مزه غذای خورده شده	سبزیجات سرد و	نمناک
در اکثر اوقات	لذت از خوراکی‌های سبک	اذیت شدن	
اشتهای کم	و رقیق مانند جوجه	از آنها	
خشکی دهان	لذت از غذاهای با	افزایش آب	
احساس گرسنگی زیاد	کیفیت گرم	دهان	
در ابتدای بیماری	هضم سخت غذاهای غلیظ	نزول سریع غذا	
و ایجاد گزش در	مانند گوشت گاو	از معده	
معده	رنگ چهره زرد و سفید	آسوده تر بودن	
آب دهان با مزه و	همراه با علایمی مانند	از غذای کم و	
بوی گوشت فاسد	سردرد و صدای وزوز در خشک		

عمل هضم خوب معده

همان گونه که گفته شد تمام اعضای بدن انسان دارای چهار قوه‌ی نباتی خادمه می‌باشند که با همدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند؛ به نحوی که مشکل در هر کدام از این قوا می‌تواند موجب اختلال در عملکرد اعضا گردد. به طور مثال اگر در هضم اول اختلال ایجاد گردد، هضم‌های دیگر نیز درگیر می‌شوند. برای انجام عمل صحیح هضم غذا در معده (هضم اول) و تولید کیلوس مناسب، نیاز به مشارکت عوامل و اعضا گوناگون بدن و عملکرد صحیح قوه‌های مختلف از جمله قوه‌ی نباتی،

به طور مثال اگر فردی با اشتها خوب مراجعه نماید و میل به غذاهای با کیفیت گرم مانند گوشت و زرده‌ی تخم مرغ داشته و دارای هضم خوب و بدون ایجاد علایمی مانند آروغ و تشنگی بیش از حد باشد، او دارای مزاج گرم طبیعی معده است؛ اما اگر همین فرد با مصرف غذاهای با کیفیت گرم دچار مشکل شده و شکایت آروغ بدبو و مزه‌ی بد دهان داشته باشد و اشتها وی کم شود و احساس تشنگی زیاد نماید که با آب سرد برطرف شود و به تدریج در حال لاغر شدن باشد، دچار بیماری سوء مزاج گرم

جدول ۵. علایم سوء مزاج‌های ساده مرکب معده

گرم و خشک	سرد و خشک	سرد و تر	گرم و تر
عطش زیاد	جمع علایم بارد و	چهره سفید بلغمی	فساد غذا در
خشکی زبان	یابس مانند	سستی در گوشت بدن	معده
لاغری بدن	هضم سخت غذاهای	(ترهل)	تغییر غذا به
مدفوع خشک	غلیظ مانند گوشت	تنبلی در حرکات	مزه بوی روغن
ایجاد فساد به	گاو	مدفوع رقیق بدون فرم	فاسد (غوست)
دنبال مصرف غذای	لذت از خوراکی	اشتهای زیاد غذا	جاری شدن آب
لطیف مانند شیر	های سبک و رقیق	کمی عطش	دهان
انتفاع از غذای	مانند جوجه	نفخ	
آبکی	نفخ	آروغ ترش	
اشتهای کم در اکثر اوقات	دیر سبک شدن سرد دل	عدم تمایل به غذای آبکی و تر	
	(کندی حرکت معده)	افزایش آب دهان	
	اشتهای زیاد غذا	هضم سخت غذاهای غلیظ	
	خشکی زیاد زبان	مانند گوشت گاو...	
	لاغری بدن		

حیوانی و حتی نفسانی می‌باشد و در

معده می‌باشد.

فیزیولوژیك طب نوین منطبق می‌باشد. در بخشی از این فیزیولوژی، معده دارای جایگاهی است که در واقع مطابق با طب سنتی ایرانی به عمل گرفتن و هضم و پردازش اولیه‌ی خوراک وارد شده به معده می‌پردازد.

بدن دارای دو کیفیت اصلی گرمی و روشنی و سبکی و ... به نام Yang و کیفیت دیگر سردی و تاریکی و سنگینی و ... به نام Yin است. وی این دو کیفیت در دو نوع ماده‌ی مرئی و نامرئی باید به ظهور برسند که شامل Blood and Body fluid است. در واقع کل بدن از این دو نوع ماده تشکیل شده است که در برخی نقاط متراکم شده (استخوان) و در برخی نقاط دیگر به صورت رقیق (خون و یا لنف) می‌باشند. مسوول حرکت این مواد در بدن، یک حرکت ذاتی است که در طب سنتی ایرانی به نام حرکت جوهری و یا ذاتی نامیده می‌شود و در طب سنتی چین Qi نام دارد.

همان گونه که از مواد خورده شده دو نوع خلط یا ماده‌ی طبیعی و غیر طبیعی بوجود می‌آید، در طب سنتی چین نیز دو نوع Clean Body Fluid و Turbid Fluid بوجود می‌آید؛ که اولی فیزیولوژیك بوده و دومی پاتولوژیك می‌باشد. این انواع غیر طبیعی به نام‌های Thin Mucus, Phlegm, Edema and Damp می‌باشند. بدن از این مواد ساخته می‌شود و لذا بسته به نوع مواد استفاده شده، سلامت و یا بیماری ایجاد می‌گردد.

صورت اختلال در هر یک از این موارد عمل هضم معده به خوبی و در بهترین حالت خود صورت نمی‌گیرد.

در معاینه و بررسی بیماری‌های بدن بخصوص دستگاه گوارش، طبیب باید به امور هفت گانه‌ی طبیعیه به طور دقیق توجه نماید. در میان این امور از همه مهمتر توجه به ارواح، قوا و افعال در معاینه و بررسی است که در تشخیص و درمان بیماران کاربرد زیادی دارد. با دقت در این سه امر طبیب درک درستی از اجزای دیگر امور طبیعیه به دست می‌آورد و می‌تواند به کیفیت یک حالت، میزان پایداری آن و نوع مزاج، علت و یا کمیت و کیفیت خلط درگیر پی ببرد. در ضمن برای طبیب درک درست از اندام‌ها و وظایف آن‌ها امری مهم می‌باشد و لذا باید از علم تشریح به خوبی اطلاع داشته و ارتباط بین اعضای مختلف بدن را فراگیرد.

با مطالعه در مفاهیم پایه‌ی طب سنتی ایران خواننده متوجه می‌شود که این مکتب دارای مبانی قوی استدلالی بوده و با کمک از تجربه و قیاس و توجه بر عملکرد طبیعی بدن در جهت درک و توضیح بسیاری از علایم و نشانه‌ها تلاش نموده است.

تطابق یافته‌های طب سنتی ایرانی با طب سنتی چینی (۱۷)

در گردش فیزیولوژیك بدن در طب سنتی و بر اساس آنچه که در طب نوین به نام فیزیولوژی نامیده می‌شود، بدن دارای دو سیکل گردش است که دقیقاً با گردش

مزاج دموی سوء	سوء مزاج صفراوی	سوء مزاج بلغمی	مزاج سوداوی سوء
دستگاه گوارشی در طب سنتی ایران	تلخی دهان	کاهش اشتها	افزایش اشتها (دینه)
غثیان و حالت تهوع	غثیان	تمایل به اغذیه تند و با کیفیت خشک و گرم،	خواری
افزایش آب دهان	دفع ماده	غثیان و تهوع	ضعف هضم (دیر سبک شدن سر دل)
به خصوص در گرسنگی	صفراوی در قی یا مدفوع	نداشتن تشنگی یا عطش	غثیان و تهوع
تغییر غذا به ویژه بوی روغن فاسد (نموس)	آروغ بد بوی تیز بعد از غذا	کاذب داشتن که با خوردن آب تشنگی رفع نشود	کثرت نفخ
		نفخ شکم	سوزش معده به خصوص قبل از غذا
		آروغ ترش (جشاء حامض)	خروج ماده سودا در قی
		رنگ بدن سفید و سستی گهشت بدن (تدها)	بزرگی طحال

و یا Clean Body Fluid می‌باشد، لذا اهمیت معده در سلامت بسیار مهم است و توجه به سلامت آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

تقدیر و تشکر

در پایان از آقای دکتر امیر محمد جلادت و سرکار خانم دکتر نرجس گرجی دستیاران دکتری تخصصی طب سنتی که در تهیه‌ی جداول سوء مزاج‌های معده از اطلاعات ایشان استفاده گردیده است، تشکر و قدردانی می‌شود.

در طب سنتی ایرانی روح طبی وجود دارد. در طب سنتی چینی روح طبی Ethereal Soul or Yang Qi نامیده می‌شود؛ اما بر خلاف طب سنتی ایرانی که در قلب منشاء دارد، در طب سنتی چینی روح طبی در کبد و یا کلیه است و از آنجا ریشه می‌گیرد. به عبارت دیگر کبد و یا کلیه مسوول روح طبی تمام بدن است و لذا هر گونه اختلال در آن سبب اختلال در تولید روح طبی سالم می‌گردد و این اختلال در تمام بدن منتشر می‌شود. از آنجا که معده منشاء تمام اخلاط

پی‌نوشت

۱. گوشت یا لحم عضو مفردی است که از قسمت متین خون تولید شده است و با اثر حرارت و یبوست بسته شده و اعضاء با آن پر می‌شوند و کار آن گرم نمودن اعضاء و دفع آفت از آن‌ها است و معمولاً اگر آن را سه قسمت کنند، دو سوم فوقانی آن دارای حس است و یک سوم تحتانی بی‌حس (مفرح القلوب ص ۸۳).

۲. عصب یا پی عضو مفرده و ساده جسمی سفید و با مزاج سرد و تر می‌باشد که در پیچیدن و انعطاف نرم و در جدایی و گسستن سخت بوده و بر سه نوع است: عصب، رباط، وتر (مفرح القلوب ص ۷۲).

۳. مبداء اتساع، محل اتساع می‌باشد و گشودن معده از آنجا ناشی می‌شود (مفرح القلوب).

۴. به علت نزدیکی به قلب این محل را فواد می‌نامند.

۵. عضلات صلب که به فارسی به آن عضلات پشت گویند شامل بعضی عضلی است که خم و دولا می‌گرداند پشت را به سوی خلف و بعضی به جانب قدام (خلاصة الحکمة جلد اول).

۶. پرده‌ی ثرب، پرده‌ی نازک اما سفت و لزج محصور کننده‌ی حرارت می‌باشد که جلوی معده قرار داد (چادرپیه).

۷. پرده‌ی صفاق یا اریطارون پرده‌ی نازک چرب و لزجی است که در داخل شکم کشیده شده است.

۸. مراق، غشایی است که به عضلات شکمی متصل می‌باشد. پوست شکم با غشاء و عضله زیر آن.

۹. در کتاب مفرح القلوب حکیم ارزانی می‌فرماید: طبیعت بر قول بقراط

قوتی است که مدبّر بدن است به غیر اراده و به غیر شعور و او مبداء هر حرکت و سکون است و به قول افلاطون قوتی است آلیه که بر مصالح بدن موکّل است و علامه گفته است اسم طبیعت در عرف طب بر چهار معانی است: یکی بر مزاج که خاص است مر بدن را، دوّم برهذیت ترکیبیه، سوّم بر قوت مدبره بدن، چهارم بر حرکت نفس. قرشی گوید که طبیعت قوتی است که از شان او است حفظ کمالات آنچه او در وی است...

منابع

۱. چشتی، محمد اعظم خان: اکسیر اعظم. ج. ۲. نسخه‌ی خطی. موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ص: ۳۴۸، ۱۳۸۳.
۲. ارزانی، حکیم محمد اکبر: طب اکبری. ج. ۱. موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، صص: ۵۹۲-۵۸۲، ۱۳۸۷.
۳. القیروانی، ابن جزار: فی المعدة و امراضها و مداواتها. موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ص: ۸۷، ۱۳۸۸.
۴. عقیدلی خراسانی شیرازی، محمد حسین: خلاصة الحکمة. تحقیق، تصحیح و ویرایش: ناظم، اسماعیل. ج. ۱. موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۵.
۵. گایتون، هال: فیزیولوژی پزشکی. مقدمه و نظارت: حائری روحانی، سید علی. ترجمه: سپهری، حوری؛ راستگار فرج زاده، علی؛ قاسمی، کامران. ج. ۲. چاپ دوّم، انتشارات اندیشه‌ی رفیع، تهران، صص: ۹۷۸-۹۷۶، ۱۰۲۶، ۱۳۸۹.
۶. ارزانی، محمد اکبر: مفرح القلوب، شرح قانونچه در طب. نسخه‌ی خطی، مطبع اسلامیة، لاهور، ۱۹۱۵ م.
۷. الاهوازی، علی ابن عباس: کامل الصناعة الطبية. ج. ۱. موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، صص: ۷۹-۷۸، ۳۱۱-۳۱۳، ۱۳۸۷.
۸. سینا، ابوعلی حسین: قانون در طب. ترجمه: شرفکندی، عبدالرحمن. کتاب سوّم، بخش دوّم. انتشارات سروش، تهران، صص: ۱۰-۶، ۱۷، ۱۳۷۰.
۹. الجغمینی الخوازمی، محمد بن محمود: قانونچه فی الطب. تصحیح و ترجمه: ناظم، اسماعیل. نشر آبژ، تهران، صص: ۱۰-۹، ۱۲، ۱۸-۱۷، ۱۳۸۹.
۱۰. ناصری، محسن؛ رضایی زاده، حسین؛ چوپانی، رسول؛ انوشیروانی، مجید: مروری بر کلیات طب سنتی ایران. ویرایش دوّم. موسسه‌ی نشر شهر، تهران، صص: ۲۴، ۴۳-۳۸، ۴۶، ۵۲، ۱۳۸۸.
۱۱. هروی، محمد بن یوسف: مجرالجواهر. مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، صص: ۶۸، ۱۹۱، ۳۸۴، ۱۳۸۷.
۱۲. الاهوازی، علی ابن عباس: کامل الصناعة الطبية. ج. ۲. مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ص: ۹۲، ۱۳۸۷.
۱۳. عقیدلی خراسانی شیرازی، محمد حسین: خلاصة الحکمة. تصحیح، تحقیق و ویرایش: ناظم، اسماعیل. ج. ۳. موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، انتشارات اسماعیلیان، قم، ص: ۴۵۱، ۱۳۸۵.
۱۴. ناظم، اسماعیل: طبیعت در پزشکی ایرانی. انتشارات اندیشه آور، نشر آبژ، تهران، ص: ۵۱-۵۰، ۱۳۸۹.
۱۵. ناظم، اسماعیل: آموزه‌های شفایی. دانشکده‌ی طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ۱۳۹۰.
۱۶. زهراوی، ابوالقاسم خلف بن عباس: التصريف لمن عجز عن التالیف. موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ص: ۱۱۶، ۱۳۸۸.
17. Maciocia G. *Diagnosis in Chinese medicine: A comprehensive guide*. New York: Elsevier; 2004.

